



doi: [10.30497/RC.2023.243977.1949](https://doi.org/10.30497/RC.2023.243977.1949)



Received: 2022/12/17

Accepted: 2023/07/05

Explanation of the theoretical model of Martyr Avini in the study of holy defense, as a model for the study of religious social phenomena

Sayyed Hesamoddin Hosseini*

Nematollah Karamollahi**

Alireza Momen Arani***

Ali Asghar Islamitanha****

Abstract

The main issue of this research is the methodological re-reading of the successful models of social studies of religion among Shia scholars, in the path of achieving theoretical modeling and an alternative methodological model. This type of secondary research can be the basis for the expansion of the discourse of Islamic humanities and the development of alternative models of Western religion social studies. Models that suffer from negative bias against religion, secularism values, presuppositions and prejudices incompatible with religion, types of reductionism and deliveryism, and non-religious ontological and epistemological foundations. For this purpose, the collection of "Narration of Fatah" texts, the writings of martyr Avini in relation to the holy defense, were studied as a successful example in understanding religious social phenomena. The collection of Avini's works related to the sacred defense has several characteristics that can be considered as a social study of religion; including: being experimental, being social, being methodical, being theoretical and analytical, etc. Qualitative method of grounded theory was used to extract the theoretical model of Avini's method. The results of the research indicate that the final model was formed around the axial category of "presence". "Presence" as the axial element of Avini's methodology has three dimensions: experimental and field presence, social and historical presence, and spiritual presence. The element of "love and belief" is the background and introduction of presence, and the element of "sankhit" is its result. sankhit and being privy, which is the result of negating the veil of selfishness and otherness, results in watching, finding secrets, revealing reality in the mirror of the researcher's soul, and realizing the "truth" of the phenomenon under study. After that, the element and category of "narrative" is placed, which is a method for "feti" (innate) transtemporal and trans-spatial and documentary expression of research results to the absents and aligning them with the truth. This methodological model of Avini can be called "illuminational or Ishraqi Truthism" and the research resulting from this method can be called "Illuminational Social Science".

Keywords: Shahid Avini, Social studies of religion, Narration of Fatah, Methodology, illuminational Truthism, Grounded Theory.

* Baqer-ol-oloom university, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).

hosseini.he@gmail.com

0000-0002-1467-1118

** Baqer-ol-oloom university, Tehran, I.R.Iran.

n.karamollahi@gmail.com

0000-0002-9119-1361

*** Tehran university, Tehran, I.R.Iran.

a_r_moamen@yahoo.com

0009-0005-5617-7117

**** Bagheral Uloom University, Tehran, I.R.Iran.

islamitanha@yahoo.com

0000-0003-0522-0232

تبیین الگوی نظری شهید آوینی در مطالعه دفاع مقدس، به مثابه الگوی مطالعه پدیده‌های اجتماعی دینی

سید حسام‌الدین حسینی*

نعمت‌اله کرم‌الهی**

علیرضا مؤمن آرانی***

علی اصغر اسلامی تنها****

چکیده

مسئله اصلی این پژوهش، بازخوانی روش شناختی الگوهای موفق مطالعات اجتماعی دین، در مسیر دستیابی به مدل‌سازی نظری و الگوی روش شناختی بدیل است. برای این هدف، مجموعه متون روایت فتح، نوشته‌های شهید آوینی در رابطه با دفاع مقدس، به‌عنوان یک نمونه موفق در شناخت پدیده‌های اجتماعی دینی، مورد مطالعه قرار گرفت. مجموعه آثار آوینی در رابطه با دفاع مقدس شاخصه‌های متعددی دارد که می‌توان آن را به‌عنوان یک مطالعه اجتماعی دین محسوب کرد؛ از جمله: تجربی بودن، اجتماعی بودن، روشمند بودن، نظری و تحلیلی بودن و... . برای استخراج الگوی نظری روش شهید آوینی، از روش کیفی داده‌بنیاد استفاده گردید. نتایج حاصل از تحقیق حاکی از آن است که الگوی نهایی حول مقوله‌محوری «حضور»، شکل گرفت. حضور به‌عنوان عنصر محوری روش‌شناسی آوینی دارای سه بُعد حضور تجربی و میدانی، حضور اجتماعی و تاریخی و حضور معنوی است. عنصر «عشق و باور» پیش‌زمینه و مقدمه حضور است و عنصر «سنخیت» نتیجه آن. سنخیت و محرمیتی که حاصل نفی حجاب خودیت و غیریت است، منتج به تماشا، رازبایی، تجلی واقعیت در آینه جان محقق و تحقق یافتن به «حقیقت» ساری و جاری در پدیده مورد مطالعه می‌شود. پس از آن عنصر و مقوله «روایت» قرار می‌گیرد که روشی برای بیان فطری، فرازمانی و فرامکانی و مستند نتایج پژوهش به غایبان و هم‌افق‌سازی آنها با حقیقت است. این الگوی روش شناختی شهید آوینی را می‌توان «حقیقت‌گرایی اشراقی» و پژوهش‌های حاصل از این روش را «دانش اجتماعی اشراقی» نامید.

واژگان کلیدی: شهید آوینی، روش‌شناسی، روایت فتح، مطالعات اجتماعی دین، حقیقت‌گرایی اشراقی، روش داده‌بنیاد.

* دانشجوی دکتری، رشته دانش اجتماعی مسلمین، دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام، قم، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

hosseini.he@gmail.com

** دانشیار و معاون پژوهش دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام، قم، جمهوری اسلامی ایران.

n.karamollahi@gmail.com

*** دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

a_r_moamen@yahoo.com

**** دانشیار دانشکده علوم اجتماعی و رفتاری، دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام، قم، جمهوری اسلامی ایران.

islamitanha@yahoo.com

مقدمه

تأمل درباره دین و دینداری موضوعی پایدار را در جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی نشان می‌دهد. مطالعه پدیده‌های دینی، به‌عنوان یکی از ارکان مهم فرهنگ و جامعه، از ابتدای شکل‌گیری علوم اجتماعی، خصلت عام و مهم صورت‌های نخستین علوم اجتماعی بوده است. «صور بنیانی حیات دینی» اثر دورکیم^۱، «اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری» اثر ماکس وبر^۲ و نوشته‌های مارکس^۳ در رابطه با دین از جمله در مقدمه «نقد فلسفه حق هگل» (گیدنز، ۱۳۷۶، ص. ۵۰۲) از شاخص‌ترین تحقیقات اولیه‌ای به‌شمار می‌آید، که در سال‌های بعدی حیطه متنوعی از علوم اجتماعی تحت عنوان کلی‌تر «مطالعات اجتماعی دین» را شکل دادند. موضوع مطالعات اجتماعی دین مطالعه صور عینیت‌یافته و خارجیت‌یافته دین و حیات دینی است.

برخی از مهم‌ترین رهیافت‌های مطالعات اجتماعی دین عبارت‌اند از:

- ۱- رهیافت‌های جامعه‌شناختی؛
- ۲- رهیافت‌های مردم‌شناختی؛
- ۳- رهیافت‌های روان‌شناختی و طبیعت‌گرایانه؛
- ۴- رهیافت پدیدارشناختی؛
- ۵- رهیافت فلسفه تحلیلی و زبان‌شناختی؛
- ۶- رهیافت پراگماتیستی؛
- ۷- رهیافت‌های باستان‌شناختی و تاریخی و... (الیاده، ۱۳۷۵؛ محمدرضایی، ۱۳۸۲، ص. ۳۹).

مطالعات اجتماعی دین، با وجود تکثر و تنوع الگوهای مذکور، با حساب‌شده و ضعف هر کدام از حیث معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی دچار نقص و اشکالات متعددی است. خصلت‌هایی مانند بی‌اعتمادی به سنت‌ها، بی‌اعتبار کردن شرایع، خودبسنده‌گی انسان، خودبسنده‌گی عقل، قناعت به عقل ابزاری، عرفی‌سازی امور قدسی، بدگمانی به ارزش‌ها و باورهای دینی و از موضع نقادانه پرداختن به آن، فروکاستن دین به موجودیتی اجتماعی و برساخت سیاسی - اقتصادی، تحلیل مبتنی بر

1. Durkheim
2. Max Weber
3. Marx

پیش‌فرض‌های ناسازگار و مانع ادراک صحیح، خرافه و پندار دانستن وجود ماوراءالطبیعه و امر قدسی، غیرعقلانی دانستن اعمال و اعتقادات دینی، رویکرد استعلایی، فروکاست چندوجهی، خلط و یکسان‌انگاری ادیان الهی و غیرالهی، خلط و یک سنخ دانستن جادو و دین از جمله اشکالات مطالعات اجتماعی دین مرسوم می‌باشد (فصیحی، ۱۳۸۸، صص. ۱۲۴-۱۲۵).

۱. بیان مسئله

با توجه به اهمیت شناخت و تبیین پدیده‌های اجتماعی دینی، لازم است الگوهای مناسب این حوزه ایجاد و بسط داده شود. علی‌رغم تلاش‌های وافری که در حوزه‌های فلسفی و نظری مطالعات اجتماعی دین از سوی اندیشمندان و محققان مسلمان معاصر صورت گرفته، در حوزه روش، خلأ الگوهای کاربردی و فاقد اشکالات مذکور مشهود است. روش یک پژوهش علمی می‌بایست متناسب با موضوع آن باشد. پدیده‌های اجتماعی دینی به‌خصوص پدیده‌های اجتماعی اسلامی نیازمند روش‌هایی هستند که از ظرفیت، عمق و جامعیت لازم برخوردار باشند. نیازی که دقیقاً مسئله این پژوهش است. ایده اصلی این پژوهش، برای بسط الگوهای روش‌شناختی مطالعات اجتماعی دین، مطالعه درجه دوم و روش‌شناسانه یکی از آثار موفق اندیشمندان مسلمان در زمینه مطالعه یک پدیده اجتماعی اسلامی است. بدین منظور پدیده دفاع مقدس، به‌عنوان یکی از ناب‌ترین پدیده‌های اجتماعی دینی عصر حاضر، به‌عنوان موضوع، و مجموعه روایت فتح، اثر شهید سیدمرتضی آوینی، به‌عنوان نمونه‌ای برجسته و موفق در مطالعه و تحلیل پدیده دفاع مقدس، انتخاب شد.

چنین ایده‌ای در علوم اجتماعی مسبوق به سابقه است. چنانچه وقتی ماکس وبر، در کتاب «اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری» به نتایج شاخصی در مطالعات جامعه‌شناسانه دین دست یافت، محققان و اندیشمندان متعددی با رویکرد روش‌شناسانه به تبیین و تحلیل الگوی روش‌شناختی وی پرداختند؛ از جمله پارسونز^۴ و گیدنز در غرب و استاد آرمکی در ایران (وبر، ۱۳۷۱؛ Giddens, 1976؛ آزاد ارمکی، ۱۳۷۷). باید توجه داشته باشیم که مجموعه روایت فتح را از منظرهای مختلف از جمله هنری،

ارتباطی، رسانه‌ای، ادبی و... مطالعه کرد؛ اما در این پژوهش، روایت فتح از این حیث که مطالعه، توصیف و تحلیل پدیده‌ای اجتماعی - دینی است، مورد مطالعه و بررسی قرار داده می‌شود. مجموعه روایت فتح از چند جهت برای این هدف مناسب است:

۱- شهید آوینی با زبان علمی معاصر آشناسنت و تلاش‌های او نسبتی اندیشمندانه بین فرهنگ و معارف اسلامی و دستاوردهای علوم انسانی معاصر برقرار ساخته است و روش‌شناسی وی می‌تواند مسیر مناسبی برای عبور از چالش‌های نظری و فرهنگی معاصر برقرار سازد.

۲- شخصیت علمی آوینی به‌طور کلی و مجموعه روایت فتح به‌طور خاص، کمتر مورد توجه محققان علوم اجتماعی قرار گرفته و پرداختن به آثار ایشان از تازگی و نوآوری بیشتری (به نسبت سایر موارد) برخوردار است.

۳- مجموعه روایت فتح، پیش از آنکه یک متن علمی و دانشگاهی در حوزه مطالعات اجتماعی دین باشد، به دلایل زیر توانسته است شاخص‌های الگوی صحیح مطالعات اجتماعی دین را برآورده نماید: یکم؛ روایت فتح، مطالعه «دین در مقام تحقق» است. واحد تحلیل آوینی رفتار، عقاید و روحیات رزمندگان و بسیجیان به‌عنوان یک گروه اجتماعی و دینی در یک موقعیت خاص زمانی و مکانی است. دوم؛ روایت فتح، تحلیلی مبتنی بر تجربه مستقیم و از نزدیک آوینی با پدیده مورد نظر بوده و می‌توان روش‌مندی مستتری در روایت فتح مشاهده نمود که به‌صورت خودآگاه یا ناخودآگاه به‌کار گرفته شده است. سوم؛ مجموعه روایت فتح، مجموعه‌ای توصیف‌گرایانه، تحلیل‌گرایانه و شناساننده پدیده دفاع مقدس بوده که مبتنی بر باورمندی او به معارف دینی به‌خصوص اندیشه‌های حضرت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) به‌عنوان یک اسلام‌شناس است. چهارم؛ این مجموعه، از ویژگی تلائم با جامعه دینی برخوردار است و توانسته است با جامعه مورد تحلیل، جامعه مخاطب دینی و حتی جامعه مخاطب غیردینی ارتباط بگیرد و از خلال این ملائمت، به هدایت و اصلاح اجتماعی بپردازد. پنجم؛ در روایت فتح، شاهد یک روش‌شناسی غیرتقلیل‌گرایانه‌ایم؛ به‌گونه‌ای که پدیده دفاع مقدس و امور دینی و معنوی آن را به عوامل بیرونی احاله (ناتحویل‌گرایی) نداده و واقعیت دفاع مقدس را به امور حسی و مادی تقلیل نمی‌دهد. در معرفت‌شناسی، علم را به علم تجربی تقلیل نمی‌دهد و

برای تحلیل خود از منابع عقلی، نقلی و شهودی بهره می‌گیرد و سایر مواردی که در الگوی روش‌شناختی وی به تفصیل بدان پرداخته می‌شود. بنابراین هدف این پژوهش، تلاش در مسیر به‌دست‌آوردن الگویی بدیع برای مطالعات اجتماعی دین بر اساس روش‌شناسی اثر شهید آوینی در مطالعه دفاع مقدس است. تاکنون در حوزه مبانی نظری علوم انسانی اسلامی تلاش‌های بسیاری انجام گرفته است؛ اما در حوزه توسعه روش‌های علمی، هنوز در ابتدای راه قرار داریم و امید است که این پژوهش بتواند گامی روشن و درست در این مسیر باشد.

۲. قلمرو پژوهش

مسئله اصلی این پژوهش یعنی «چیستی روش شهید آوینی در مطالعه دفاع مقدس» ذیل موضوع کلی‌تری تحت عنوان «روش در علوم اجتماعی» قرار می‌گیرد. روش، شیوه پیش‌رفتن به‌سوی یک هدف است (کیوی و کامپنهود، ۱۳۷۳، ص. ۱۰). روش یکی از عناصر مهم در معرفت‌شناسی و «بیانگر شیوه دقیق نزدیک شدن به عالم برای فهم بهتر آن (سایر، ۱۳۸۵، ص. ۱۳) و مسیری است که برای تحصیل یک معرفت طی می‌شود (پارسانیا، ۱۳۸۵، بیست‌ویکم).

روش‌شناسی یا تبیین یک روش، نوعی دانش درجه دوم است که موضوع آن روش است (پارسانیا، ۱۳۸۵، بیست‌وسوم). آشکارسازی روش نهفته در یک دستاورد علمی و تبدیل آن از دانش ضمنی به دانش آشکار یکی از وظایف دانش روش‌شناسی است. برای تبیین یک روش به‌طور کامل، ۴ چیز لازم است: یکم، بنیان‌های معرفتی؛ دوم، الگوی نظری؛ سوم، دستورالعمل‌های روش‌شناختی راجع به نحوه نزدیک شدن به قلمرو تحقیق و گردآوری داده‌ها؛ و چهارم، روش‌های خاص تحلیل (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۲، ص. ۲۱؛ پارسانیا، ۱۳۸۵، بیست‌ودو؛ محمدپور، ۱۳۸۹، ص. ۲۶؛ فلیک و دیگران، ۱۳۹۷).

با توجه به محدودیت بیان تمام ابعاد روش‌شناختی مذکور، در این مقاله صرفاً به تبیین الگوی نظری شهید آوینی در مطالعه دفاع مقدس، پرداخته می‌شود.

۳. پیشینه پژوهش

مطالعات پیشینه این پژوهش در سه دسته اصلی قرار می‌گیرند:

۳-۱. مطالعات ناظر به الگوهای اسلامی و بدیل در حوزه مطالعات اجتماعی دین

- مجموعه درس‌گفتارهای اخیر استاد پارسانیا ذیل بحث مطالعات اجتماعی دین با رویکرد اسلامی (در دست انتشار)؛
- برخی از آثار شجاعی‌زند از جمله «دین، جامعه و عرفی شدن: جستارهایی در جامعه‌شناسی دین» (۱۳۸۸)؛
- مقاله دکتر امان‌الله فصیحی تحت عنوان «بررسی روش‌های مطالعه جامعه‌شناسانه دین» (۱۳۸۰).

آثار ناظر به مطالعات اجتماعی دین با رویکرد اسلامی، بیشتر حیثیت انتقادی داشته و مواردی که رویکرد ایجابی داشته‌اند، سبقه فلسفی و نظری در آنها غلبه داشته و در زمینه ارائه الگوهای روش‌شناختی و مدل‌های روش تحقیق برای مطالعه پدیده‌های اجتماعی دینی با رویکرد اسلامی (به‌طورخاص) غالباً به بیان کلیات بسنده شده است.

۳-۲. مطالعات ناظر به مطالعه درجه دوم اندیشه‌ها و آثار شهید آوینی

- ماجرای فکر آوینی: گفتارهایی در شناخت مفاهیم بنیادی تفکر شهید سیدمرتضی آوینی، اثر وحید یامین‌پور (۱۳۹۹)؛
- این کتاب نه یک اثر پژوهشی و روشمند بلکه مجموعه درس‌گفتارها و مصاحبه‌های نویسنده در رابطه با شهید آوینی است. در این کتاب ضمن پرداخت به مبانی عرفانی تفکر آوینی، مواجهه خودآگاهانه و زمانه‌شناسانه وی با تمدن غرب در سطوح مختلف فکری، فرهنگی، سبک زندگی، رسانه‌ای و تمدنی می‌پردازد. وی معتقد است روایت فتح، روایت افق‌های تمدن اسلامی است.
- واقع‌گرایی اسلامی به‌مثابه نظریه فیلم: مرتضی آوینی و نظریه فیلم، اثر محمدعلی طائی. (۱۳۹۶)؛

این کتاب حاصل تلاش و تأمل پژوهشگر سینما آقای طائی، پیرامون نظریه‌های فیلم، جهان و آرای سیدمرتضی آوینی بوده که ابتدا به زبان ایتالیایی تألیف و سپس

توسط وی به فارسی نیز ترجمه شده است. در این اثر به آراء آوینی به‌عنوان یک فیلسوف و نظریه‌پرداز حوزه سینما پرداخته شده و رئالیسم اسلامی اساس نظریه فیلم وی معرفی می‌گردد. کتاب از حیث قوت نظری و درک عمیق مطالب آوینی واجد وزانت علمی قابل قبولی است؛ هر چند اگر آشنایی نویسنده، با مبانی دینی و مسائل عرفانی بیشتر بود، به نتایج و بیان دقیقتری دست می‌یافت.

- سینما و افق‌های آینده؛ جستجویی در آرا و افکار سیدمرتضی آوینی، اثر حسین معززی‌نیا. (۱۳۸۸):

آقای معززی‌نیا، در این کتاب توانسته تصویر جامعی از شهید آوینی معرفی نماید. معززی‌نیا، جوهر تفکر آوینی را «تفکر در نسبت میان سنت و مدرنیته» خصوصاً در عرصه هنر و رسانه معرفی می‌کند. دغدغه اصلی آوینی در تقابل سنت و نوسازی، مسئله هویت است و از این حیث با «هویت‌اندیشان» اشتراک فکری دارد. وی ضمن تحلیل کم و کیف تأثیرپذیری آوینی از سیداحمد فردید، آشنایی آوینی با اندیشه‌های فردید را مربوط به سال‌های آخر دهه شصت و به‌واسطه مطالعه آثار شاگردان فردید از جمله داوری و شایگان می‌داند و معتقد است آوینی در تدوین کتاب توسعه و مبانی تمدن غرب، نوع ورود، نحوه توصیف و تحلیلش بیشتر به سنت‌گرایان شباهت دارد و در آن دوره وی ترجیح می‌داد مستقیماً به سنت رجوع کند و دلایلش برای رد مبانی نوسازی را از دل آیات و روایات استخراج نماید. کتاب به زبان مصاحبه و گفتگو تدوین شده و از حیث پژوهشی فاقد روش می‌باشد.

در پژوهش‌های معدودی که در رابطه با شخصیت، اندیشه و آثار شهید آوینی انجام شده است، بیشتر بر جنبه‌های فلسفی، هنری، رسانه‌ای و حتی مدیریتی وی تأکید شده و تاکنون پژوهشی در رابطه با حیثیت دانش اجتماعی آثار وی انجام نگرفته است.

۳-۳. مطالعات ناظر به مطالعه درجه دوم مجموعه «روایت فتح»

- یک تجربه ماندگار؛ مجموعه مستند «روایت فتح» چگونه ساخته شد؟ مقاله‌ای از شهید آوینی. (۱۳۸۲)؛

- سینمای اشراقی؛ سینمای دینی و هنر اشراقی شهید آوینی با نظری به عکاسی اشراقی، اثر مرحوم محمد مددپور. (۱۳۸۴):

این کتاب را دکتر مددپور به یاد آموزگار عملی و نظری مرگ‌آگاهی، شهید آوینی نگاشته و در فصل اول آن به سیر و سلوک پس‌فردایی و تفکر معنوی شهید آوینی پرداخته است. در فصل دوم و سوم به تحلیل نظری مجموعه روایت فتح عمدتاً با تکیه بر مقاله «یک تجربه ماندگار» شهید آوینی پرداخته و سینمای اشراقی را استوار بر دو پایه اساسی تطابق با واقعیت به مثابه تجلی‌گاه حقیقت و سلوک معنوی و تجربه اشراقی فیلم‌ساز و مستندساز معرفی می‌کند. وی در ادامه ۲۵ ممیزه برای مستند اشراقی برمی‌شمرد. این کتاب جزو معدود منابع یا تنها منبعی است که از طریق مطالعه درجه دوم و تحلیل فلسفی - نظری مجموعه روایت فتح (به‌عنوان یک گنجینه استثنایی و یک تجربه در قله) به دنبال طراحی یک الگوی نظری - روشی (در حوزه سینمای دینی و هنر اشراقی) بوده است. اکتفا به یکی دو مقاله کوتاه در تحلیل روایت فتح و رها ساختن بخش زیادی از منابع قابل تحلیل مربوط به روایت فتح، به‌خصوص متن‌گفتارها را می‌توان نقص این کتاب دانست.

- **روایت جنگ در دل جنگ؛ با نگاهی به مستندهای سیدمرتضی آوینی**، اثر انیس دوویکتور استاد دانشگاه سوربن فرانسه (۱۳۹۹):

دوویکتور، که موضوع دکترای او، سیاست‌گذاری فرهنگی به‌ویژه سیاست‌گذاری سینمایی از نگاه جمهوری اسلامی ایران بوده، در این کتاب به مطالعه روشمند آثار سینمایی آوینی از جمله روایت فتح می‌پردازد. این اثر که به‌عنوان پایان‌نامه‌ای دانشگاهی در سطح دانشجویی در سوربن و در برابر هیئتی فاخر از داوران ارزشیابی شده است، می‌تواند سنج‌های مناسب برای سطح تحقیقات در زمینه آوینی‌پژوهی و نشانه‌ای از میزان اهتمام به موضوع سینمای مستند دفاع مقدس و مکانیت مرتضای آوینی نزد دیگران باشد.^۵

۴. روش پژوهش

روش متخذ جهت دستیابی به اهداف این پژوهش، «روش داده‌بنیاد»^۶ است. روش داده‌بنیاد از جمله روش‌های پژوهش کیفی است که برای مدل‌سازی و صورت‌بندی

۵. بخشی از یادداشت مترجم در همین کتاب

نظریه مورد استفاده قرار می‌گیرد. روش‌های پژوهش کیفی افزون بر برخورداری از اعتبار علمی، واجد جنبه‌های متکی بر خلاقیت و اندیشه‌ورزی محقق است؛ بنابراین، ضمن مستدل و روشمند بودن بخش‌های مختلف نتایج پژوهش، نمی‌توان به‌صورت قطعی و یقینی، الگوی به‌دست‌آمده از آن را به شهید آوینی منتسب کرد. نتیجه این پژوهش در واقع، برداشتی مستدل و روشمند است که از تحقیقات کیفی، از جمله روش داده‌بنیاد، مورد انتظار است.

در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، سه رهیافت مسلط و متمایز وجود دارد: «رهیافت نظام‌مند» بر اساس رویکرد استراوس و کوربین (Strauss & Corbin, 1998)، «رهیافت ظاهرشونده» مبتنی بر نظر گلیر (Glaser, 1992)، و «رهیافت ساخت‌گرایانه» که توسط چارمز (Charmaz, 1990, 2000) حمایت می‌شود. این پژوهش روش داده‌بنیاد را بر اساس روش گلیر و با رهیافت ظاهرشونده مورد استفاده قرار می‌دهد، چراکه پارادایم پیشنهادی استراوس و کوربین برای تحلیل پدیده‌های علی، با هدف و مسئله این پژوهش تناسب ندارد. همچنین رهیافت ظاهرشونده مبتنی بر پارادایم مابعداثبات‌گرایی^۷ و رئالیسم انتقادی است و تناسب بیشتری با مبانی هستی‌شناسی اسلامی دارد (ساغروانی و دیگران، ۱۳۹۳، صص. ۱۶۶-۱۶۷).

روش داده‌بنیاد در تحقیقات با موضوع دینی بسیاری به‌کار گرفته شده‌اند و بسیاری از اساتید و محققان علوم انسانی اسلامی به نتایج مثبت به‌کارگیری این روش در تحقیقات اسلامی تأکید نموده‌اند (بهروزی لک و علی‌یاری، ۱۳۹۶؛ مهربانی و دیگران، ۱۳۹۰؛ کافی و جمشیدی‌ها، ۱۳۹۱؛ دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۸۴ و شریفی، ۱۳۹۷). با این وجود در این پژوهش با توجه به اقتضائات مبنایی و موضوعی تعدیل‌هایی در به‌کارگیری این روش با هدف متناسب‌سازی بیشتر روش با موضوع ایجاد شد:

- توجه به مبانی فکری شهید آوینی (بنیان‌های هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی) در مسیر تولید نظریه؛

- توجه و مراجعه به سایر آثار شهید آوینی در مراحل کدگذاری به جهت فهم دقیق گزاره‌ها (تفسیر آوینی به آوینی)؛

- توجه و مطالعه زمینه و زمانه شهید آوینی به جهت فهم دقیق‌تر مسائل و مفاهیم شهید آوینی.

به‌طور کلی در این پژوهش سعی شده، روش داده‌بنیاد منطبق با رویکردهای روشی شهید آوینی به‌کار گرفته شود و در تمامی مراحل، اصول اساسی آوینی همچون رویکرد فطری، حقیقت‌گرایی اشراقی، عشق و باور، طلب وصول به حقیقت و... مورد توجه قرار گیرد و تا شناخت الگوی نظری آوینی به سبک خودش تحقیقی وی نزدیک گردد.

۴-۱. فرایند به‌کارگیری روش

پس از انتخاب روش داده‌بنیاد، جهت بررسی و مطالعه الگوی روش‌شناختی آثار شهید آوینی در رابطه با دفاع مقدس، کتاب «گنجینه‌های آسمانی»، که شامل آثار شهید آوینی در این خصوص است به‌عنوان منبع اصلی و در کنار آن سایر منابعی که در رابطه با مجموعه روایت فتح نگاشته شده‌اند، جهت انجام فرایند پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

در مرحله بعدی، برای انجام کدگذاری باز بر روی داده‌های خام، جدول کدگذاری ایجاد شد. در این مرحله ابتدا گزینش داده‌ها انجام گرفت. واحد تحلیل و بررسی داده‌ها، «بند» به‌عنوان یک واحد مستقل معنایی، تعیین شد. جمع‌آوری داده‌ها مبتنی بر انتخاب قطعات متنی که قابلیت برداشت و استقصاء روش‌شناختی دارند، انجام گرفت. سپس مراحل کدگذاری باز، شامل استخراج «مفاهیم»، «مقوله‌ها»، «کلان‌مقوله» و تدوین «یادداشت‌های نظری» اجرا شد.

در نتیجه کدگذاری باز، سه کلان‌مقوله «روش‌های گردآوری داده‌ها»، «روش‌های تحلیل» و «مبانی روش‌شناختی» استخراج شد که ذیل آن بیش از ۲۰۰ مفهوم و مقوله و ۳۰ یادداشت نظری شکل گرفتند.

در مرحله کدگذاری محوری، مدل‌سازی مفاهیم و مقولات اصلی، با استفاده از نظام پیوند مفاهیم، به‌سوی صورت‌بندی نظری و ترسیم نمای یک الگوی نظری پیش رفت. برای این منظور تجمیع مفاهیم ذیل هر مقوله، دسته‌بندی و تبیین منظومه مفاهیم ذیل هر مقوله، تکمیل الگوی روشی مبتنی بر منظومه‌های مذکور، جمع‌بندی و مدل‌سازی انجام گرفت. در این مرحله کلان‌مقوله «الگوی روش‌شناختی مطالعات اجتماعی دین شهید آوینی در روایت فتح» در جایگاه مقوله محوری، سه مقوله «روش‌های گردآوری داده‌ها»، «روش‌های تحلیل» و «مبانی روش‌شناختی»، پیرامون آن و سایر مفاهیم ذیل مقوله‌ها قرار گرفتند.

در مرحله کدگذاری نظری، الگوی نظری نهایی بر اساس «بازسازی» و «تکمیل» مفاهیم، به سوی یک آرایش نظری کلان و فراگیرتر، صورت پذیرفت.

۵. یافته‌های پژوهش

حاصل کدگذاری و تحلیل گام به گام داده‌ها طبق فرایند داده‌بنیاد، نظریه نهایی مبتنی بر یک مقوله محوری، ۷ مقوله اصلی و ۳۳ زیرمقوله استخراج شد. «حضور» مقوله محوری، «عشق و باور»، «حضور تجربی و میدانی»، «حضور اجتماعی و تاریخی»، «حضور معنوی»، «سنخیت»، «حقیقت» و «روایت» مقوله‌های اصلی الگوی نهایی می‌باشند.

الگوی نهایی حول محور مقوله «حضور» شکل گرفت. حضور بیانگر بسیاری از ابعاد روشی، معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی اجتماعی و نظام ارزشی و هنجاری مورد نظر آوینی است. حضور تجربی محقق در میدان، لزوم شناخت حضور، نقش حضور در شکل‌گیری هستی اجتماعی دینی و حیثیت فلسفه تاریخی امت و استشعار حضور به منظومه ارزش‌شناختی و هنجاری عرفان در لزوم توجه، باور، طلب، دلدادگی، تبعیت از امام تا وصول به حقیقت، نمایانگر ابعاد گوناگون مقوله «حضور» می‌باشند.

حول این مقوله کلیدی، ۴ مقوله اصلی قرار می‌گیرد: «عشق و باور»، «سنخیت»، «حقیقت» و «روایت». این ۴ مقوله پیرامونی که اولی آن مبنا و زیربنای حرکت محقق و سه مقوله بعدی نتیجه حضور اوست، در مجموع چهارچوب کلان یک روش مطالعه پدیده‌های اجتماعی دینی مطلوب را معرفی می‌نماید. باورهای الهی محقق او را از فروکاست‌های گوناگون، دنیاگرایی چندوجهی، تحویل‌گرایی و تأویل‌گرایی ناصواب، پیش‌فرض‌ها و پیش‌داوری‌های سوگیرانه نسبت به دین و وقایع دینی مصون می‌دارد. باور نسبت به اینکه بزرگ‌ترین سرمایه حیات انسانی داشتن راهنمایی‌انی چون انبیاء و اهل بیت (علیهم‌السلام) است. باور به اینکه حسین (علیه‌السلام) و عاشورا زنده است و حیات حقیقی انسان در گرو برقراری نسبت صحیح خود با آن است. باور به مبدأ و معاد، باور به ملکوت و غیب، باور به *يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ* و... این باورها زمینه‌ساز عشق و اشتیاق محقق و خروج از دین‌باوری خشک و ظاهری می‌شوند. عشق به رسیدن به حقیقت، و درک حضوری طعم تبعیت از امام و لیبیک به ندای هل من ناصر اباعبدالله (علیهم‌السلام) بود که آوینی را به جبهه‌ها کشاند.

درواقع در روش‌شناسی آوینی، باور و یقین لازمه پژوهش است و پاسخ این پژوهش به سه‌گانه الحاد، لادری‌گری یا ایمان روش‌شناختی، این است که پژوهش در رابطه با پدیده‌های اجتماعی دینی مستلزم باور است؛ البته آوینی برای کسانی که مدعی می‌نامدشان، کسانی که قبل از تحقیق توفیق و امکان داشتن چنین باورهایی را نداشته‌اند، توصیه می‌کند که در جمع بسیجی‌ها «حضور» پیدا کنند و از خلال حضور امید دارد که به درک صحیح دست یابند. «آیا می‌خواهی سربازان لشکر رسول‌الله را بشناسی؟ بیا و ببین: آن یک کشاورز بود و این یک، طلبه است و آن دیگری در یک مغازه گمنام در یکی از خیابان‌های مشهد لبنیات‌فروشی دارد، و به‌راستی آن چیست که همه ما را در این نخلستان‌ها گرد آورده است؟ تو خود جواب را می‌دانی. آیا می‌خواهی آخرین ساعات روز را در میان خط‌شکن‌ها باشی؟ امشب شب عاشورا است. تو هم بیا و در گوشه‌ای بنشین و این جماعت عشاق را تماشا کن» (آوینی، ۱۳۹۱، صص. ۱۵-۱۶).

این حضور فیزیکی، تجربی، اجتماعی و تاریخی، و معنوی محقق در میدان مورد مطالعه، کم‌کم او را می‌رساند به «سنخیت». آوینی معتقد است که تا هم‌سنخ و محرم نشوی، نمی‌توانی راز حضور مؤمنان در این صحنه اجتماعی و تاریخی را درک کنی. حقیقت پشت پرده پدیده‌های اجتماعی دینی، چون رازیست که اغیار بدان راه ندارند.^۸ سنخیت از خلال تطابق مشاهده‌گر با شرایط، زمینه و زمانه مورد مطالعه و یکی شدن با آن از حیث اجتماعی، فرهنگی، دینی و معنوی حاصل می‌شود. در نتیجه سنخیت، محقق با حقیقت و رازهای رفتارها، وقایع، سخنان، آداب و مناسک، شعارها و اشعار آشنا می‌شود. حضور فیزیکی و تجربی او به درک حضوری می‌انجامد و به تماشا و شاهد حقیقت بودن نایل می‌شود. محقق در اثر مجاهدت و سنخیت، به حقیقت متحقق می‌شود و تمام آنچه را که تابحال می‌گفتند و می‌نوشتند در وجود خود حاضر می‌بیند. لذت اشک شب را در خودش پیدا می‌کند، لذت تنفس در فضای عبودیت و بندگی عاشقانه را در خود حس می‌کند. لذت ایثار و از خودگذشتن را در وجود خودش می‌یابد.

۸. نقد اصلی روش‌شناسی آوینی، به سایر مطالعات اجتماعی دین می‌تواند چنین باشد که چگونه جامعه‌شناسی که دل در گرو ارزش‌های مادی‌گرایانه دارد و عرفی‌سازی و تقدس‌زدایی را مقصد است، می‌تواند به درک وقایع اجتماعی دینی برسد؟ حقیقت پشت پرده این وقایع اجتماعی، مرده‌ای بی‌اراده نیست. آن حقیقت حسی است و تا کسی برگزیده نباشد و سنخیت پیدا نکرده باشد، بدان شاه بار ندارد. این چنین است که حقیقت هیچگاه به مدعیان و اغیار رخ نمی‌نماید. «بگذار که اغیار هرگز ندانند» (آوینی، ۱۳۹۱، صص. ۶۱-۶۳).

در سایه سنخیت و تحقق، محقق به منظومه‌ای از شناخت فراگیر دست می‌یابد، شناخت حاصل از درک شهودی، عقلی، نقلی، تجربی و حسی.

«روایت»؛ روایت شاید نوآورانه‌ترین بخش مستتر در روش آوینی است. در بین داده‌های گردآوری شده و کدگذاری‌ها، کمتر گزاره‌ای را پیرامون روایت داشتیم. تبلور این مقوله در الگوی نهایی بیشتر مرهون یادداشت‌های نظری است که در روش داده‌بنیاد، بر اهمیت آن بسیار تأکید می‌شود. روایت در سنت شیعه، روشی برای ضبط مستند وقایع و درآوردن آن در قالبی فرازمانی و فرامکانی، جهت ایجاد حس حضور برای غائبان است. چنانکه نبی گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در خطبه غدیر می‌فرماید: «و قطعاً آن چیزی را که مأمور به ابلاغش بودم، رساندم تا حجت و سندی باشد بر هر حاضر و غائبی و بر هر کسی که شاهد است یا نیست، متولد شده است یا نه؛ پس حاضران به غائبان برسانند و پدران به فرزندان، تا روز قیامت»^۹.

روایت در روش‌شناسی آوینی، راهی برای بیان ادراکات محقق از شناخت واقعیت اجتماعی دینی است. این بیان ۴ ویژگی اصلی دارد:

- ۱- فرازمان و فرامکان است. چون باور دارد حقیقت پشت پرده وقایع اجتماعی دینی، امری زنده و دارای حیات ابدی است، پس از دستیابی به آن، می‌خواهد آن را به‌گونه‌ای بیان کند که برای تمام غایبانی که امکان حضور در آن موقعیت را نداشتند، درک آن میسر شود.
- ۲- به‌دنبال هم‌افساز است. چون خود محقق از طریق هم‌دلی و هم‌ذاتی با موضوع به این شناخت دست یافته است، لاجرم می‌بایست، مسیری را دنبال کند که مخاطب نیز به چنین هم‌دلی و هم‌ذاتی دست یابد.
- ۳- به زبان فطرت است. زبانی می‌تواند فراتاریخی شود که فطری باشد. فطرت وجه فراتاریخی انسان‌شناسی دینی است و هر چیزی با فطرت انسان‌ها نسبت پیدا کند، می‌تواند از محدودیت زمان و مکان عبور کند و تمام انسان‌ها را با خود همراه کند. آوینی برای مخاطب فطری با مخاطب، الگوی غفلت‌زدایی (ذکر) و عبرت‌گیری را دنبال می‌نماید و روایت خودش را با هنر می‌آمیزد.

۹. «وَقَدْ بَلَّغْتُ مَا أُمِرْتُ بِتَبْلِيغِهِ، حُجَّةٌ عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَ غَائِبٍ وَ عَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ وَ لِدَاؤُ لَمْ يُولَدْ فَتَبْلِغُ الْحَاضِرِ الْغَائِبَ وَ الْوَالِدِ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (طبرسی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۶۲).

۴- بیان مستند. روایت طبق تعریف سنتی خود، بیان مستند چیزی است که قرار است بدون تغییر به دست سایرین برسد؛ لذا آوینی برای روایت خود از دوربین بهره می‌گیرد تا امکان پخش صوت‌ها و تصویرهایی که تحلیل‌های وی بدان استوار است، برایش میسر گردد. در ادامه چگونگی دستیابی به نتایج پژوهش از مرحله کدگذاری باز تا کدگذاری محوری و نظری بیان می‌شود.

۶. کدگذاری باز

در این بخش نتایج جداول کدگذاری باز آورده می‌شود تا چگونگی عملیات کدگذاری باز و نگارش یادداشت‌های نظری بیشتر روشن شود.

۶-۱. نتایج کدگذاری باز

۶-۱-۱. فهرست زیرمقوله‌های ذیل کلان‌مقوله «مبانی روش‌شناختی»

۱. نقش فعال حقیقت در دسترسی و عدم دسترسی محقق به شناخت آن؛
۲. رویکرد انتقادی مبتنی بر مقوله غیریت و نامحریت؛
۳. رویکرد منظومه‌ای نسبت به دوگانه‌های مفهومی؛
۴. متحقق شدن محقق در مسیر پژوهش؛
۵. بهره‌گیری از شهود و ادراکات قلبی در کنار درک عقلی، نقلی و تجربی؛
۶. غفلت‌زدایی (ذکر) و عبرت‌گیری دو ارزش در مطالعات اجتماعی دین؛
۷. روایت‌گری به مثابه روشی برای شناخت و بیان امری فراتاریخی؛
۸. طلب و شیدایی لازمه دستیابی به حقیقت موضوع؛
۹. خودآگاهی نسبت به محدودیت‌های روش و اظهار عجز از درک کامل؛
۱۰. عدم تقلیل واقعیت به واقعیت محسوس؛ واقعیت اجتماعی دینی، دارای مراتبی از ملکوت تا وجه اجتماعی و مادی؛
۱۱. درک حقیقت مستلزم یقین و باور؛
۱۲. تجربه‌محوری و حضور در محیط موضوع؛
۱۳. همدلی و همداتی با موضوع در خلال زندگی کردن در میان آنان؛

۱۴. لزوم محرم شدن و سنخیت با حقیقت جهت درک آن.
برخی از یادداشت‌های نظری ذیل کلان‌مقوله مبانی روش‌شناختی:
۱. محقق در مشاهده مشارکتی و همراه و هم‌دل شدن با پدیده مورد مطالعه، بنا ندارد پس از تحقیق از آنها جدا شود و یافته‌های خود را با زبان علمی بنویسد. محقق در این یکی شدن خود را در مسیر رشد و تعالی می‌بیند چراکه مقصدی را دنبال می‌کند که حالا در پیش روی او تحقق پیدا کرده است.
 ۲. آوینی برای محقق بودن، دارد در مسیر پژوهش، خود متحقق می‌شود و از ناحیه تحقق به حقیقت است که زبان به معرفت و شناخت پدیده اجتماعی دینی می‌گشاید و سرانجام در مسیر ناتمام پژوهش خود به شهدا ملحق می‌شود. به عبارت دیگر مجنون خودش شده است لیلی.
 ۳. آوینی در برخی موارد از عبارات «گویی»، «حس می‌کنی»، و امثال آن، استفاده می‌کند و این مواردی است که معمولاً به وجهه غیبی و ملکوتی وقایع مرتبط است، که نه می‌تواند با قطعیت بدان اذعان کند و نه می‌تواند آن را انکار کند.

۶-۱-۲. فهرست زیرمقوله‌های ذیل کلان‌مقوله «روش‌های گردآوری داده‌ها»

۱. مشاهده مشارکتی؛
۲. مصاحبه؛
۳. تجربه زیسته؛
۴. توصیف محیط و نمادهای محیطی؛
۵. توصیف مختصات زمانی و مکانی؛
۶. توصیف حالات درونی و معنوی افراد؛
۷. توصیف ویژگی‌های ظاهری؛
۸. جمع‌آوری متن اشعار و شعارها؛
۹. استفاده از دوربین جهت ضبط داده‌ها؛
۱۰. توصیف وضعیف و تغییرات روحی محقق (راوی)؛
۱۱. توصیف آداب و رسوم اختصاصی موضوع؛
۱۲. توصیف رفتارها و افعال؛
۱۳. توصیف زمینه فردی و اجتماعی اشخاص خارج از موقعیت اجتماعی مورد مطالعه؛

۱۴. اشاره به زمینه‌های فرامتنی افراد مورد مطالعه؛
۱۵. توصیف امور غیبی مبتنی بر شهود و دریافت‌های یقینی؛
۱۶. توصیف عبارت‌ها و جملات کلیدی (فرهنگ واژگان اختصاصی موضوع)؛
۱۷. توصیف وضعیت رسانه‌ای حاکم بر موضوع؛
۱۸. اشاره به مواردی که قابل توصیف نیست.

۶-۱-۳. فهرست زیرمقوله‌های ذیل کلان‌مقوله «روش‌های تحلیل»

۱. تحلیل مبتنی بر آیات و روایت؛
۲. تحلیل مبتنی بر مسائل کلامی؛
۳. تحلیل مبتنی بر مسائل فلسفه تاریخی؛
۴. تحلیل مبتنی بر مسائل عرفانی اعم از نظری و عملی؛
۵. تحلیل مبتنی بر مسائل فطری؛
۶. بازتولید مفاهیم قرآنی، روایی، عرفانی و مفاهیم عصر نبوی؛
۷. تحلیل مبتنی بر مقایسه و تطبیق وقایع با وقایع دوران انبیا و اهل بیت (علیهم‌السلام)؛
۸. بهره‌گیری از مفاهیم واسط بین رویکرد عرفانی، اجتماعی و فلسفه تاریخی؛
۹. رفع موانع و حجاب‌های معرفتی و شناختی مخاطب و تلاش در جهت هم‌افسازگی وی؛
۱۰. تحلیل مبتنی بر وقایع و پدیده‌های میدانی؛
۱۱. تحلیل مبتنی بر تأویل وقایع به سوی اسرار ملکوتی و باطنی آن؛
۱۲. تلاش در ایجاد درک حضوری برای مخاطب؛
۱۳. پرسش سؤال از مخاطب و وانهادن جواب به وی؛
۱۴. مشارکت‌دهی مخاطب در تحلیل؛
۱۵. تحلیل مبتنی بر فلسفه سیاسی شیعه.

۷. کدگذاری محوری

چنانچه ذکر شد، بر اساس کدگذاری باز ذیل سه مقوله روش جمع‌آوری داده‌ها - روش تحلیل و مبانی روشی مقولات متعددی شکل گرفت. در گام بعدی، جهت صورت‌بندی و مدل‌سازی مقوله‌ها، کلان‌مقوله «الگوی نظری شهید آوینی در مطالعه دفاع مقدس» به‌عنوان کلان‌مقوله محوری قرار داده شد و سه کلان‌مقوله دیگر حول آن قرار گرفتند.

در ادامه الگوی مستخرج از کدگذاری محوری آورده می‌شود.



شکل (۱): الگوی نظری حاصل از کدگذاری محوری

منبع: (نگارنده این تحقیق)

۷. کدگذاری نظری

پس از تشکیل الگوی نظری حاصل از کدگذاری محوری، نوبت به مرحله پایانی روش داده‌بنیاد و صورت‌بندی نظریه نهایی می‌رسد. در این مرحله مبتنی بر بهبود نظام‌مند مقوله‌ها، بازسازی روابط بین مقوله‌ها، یکپارچه‌سازی و تشکیل یک آرایش نظری بزرگ‌تر، الگوی نظری بهبود یافت.

از بین مقوله‌های کلیدی به‌دست‌آمده، مقوله «حضور» به‌عنوان نقطه ثقل و محور مدل انتخاب شد. مفهوم حضور از یک حیث نشانگر رویکرد تجربی خاص آوینی در ورود و بررسی پدیده‌های اجتماعی دینی است. مشاهده مشارکتی، هم‌زیستی، مصاحبه، توصیف کامل متن و توجه به فرامتن، نتیجه حضور تجربی محقق در میدان مطالعه است. حضور از حیث دیگر بیانگر رویکرد اجتماعی و تاریخی آوینی ذیل کلان‌سیستم سیاسی اجتماعی اسلام یعنی «نظام ولایی امامت و امت^{۱۰}» است. در این چهارچوب نظری، حضور امت، نقش اساسی در تعیین سرنوشت جامعه اسلامی دارد. شناخت هر پدیده اجتماعی اسلامی، مستلزم توجه به چهارچوب کلان امامت و امت است و آوینی از این رهگذر مفهوم حضور (امت) را مطرح می‌کند. وی در مقالات متعددی از جمله مقاله «حضور الحاضر» تحقق پدیده‌های اجتماعی دینی را در چهارچوب «لیک امت» نسبت به دعوت و ندای «هل من ناصر» امام تبیین می‌نماید. آوینی ناظر به این بخش می‌نویسد: «اینجا سخن از من و ما نیست، سخن از حضور است، حضور امتی که عاشورا را باز یافته و دعایش که «یا لیتنا کنا معکم»، به استجاب رسیده است» (آوینی، ۱۳۹۱، ص. ۶۳).

حضور اجتماعی و تاریخی محقق در میدان، به معنی هم‌فرهنگی، هم‌هویتی، مشارکت در مناسک اجتماعی، قرارگرفتن در شبکه روابط اجتماعی و ایفای نقش اجتماعی خود در نسبت با امام است. حضور، علاوه بر بارمعنایی روش‌شناختی و نظریه اجتماعی، ظرفیت معنایی ویژه‌ای در تبیین بعد معنوی پدیده‌ها دارد. حضور قلب و حضور باطنی محقق در پیوند با پدیده اجتماعی در حال جریان، و ارتباط گرفتن یقینی

۱۰. نگارنده در پایان‌نامه ارشد فصل مستوفایی در رابطه کلان سیستم اجتماعی سیاسی اسلام تحت عنوان «نظام ولایی امامت و امت» به بررسی هستی‌شناسی نظام اجتماعی اسلام و چیستی ابعاد آن پرداخته است (حسینی، ۱۳۹۵، فصل دوم: نظام ولایی امامت و امت).

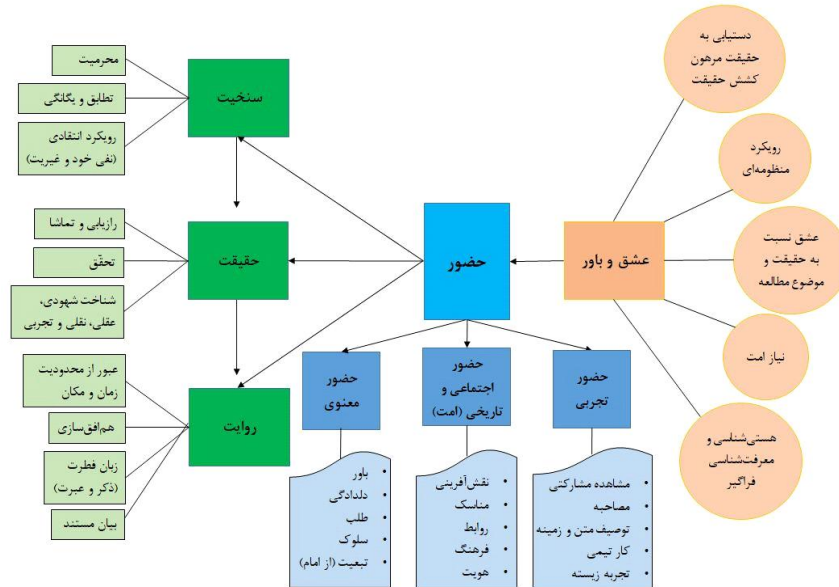
و عاشقانه وی با واقعه دینی، سیر و رشد معنوی در کنار سایر افراد حاضر در جماعت مورد مطالعه، طلب، اشتیاق و دلدادگی نسبت به حقیقتی که در متن واقعه مقصد و مقصود است، تبعیت از امام و سیر در مراتب معنوی امام، از ابعاد حضور معنوی محقق در میدان مورد مطالعه است.

مقدمه و زمینه این حضور، باورهای محقق و اشتیاق و عشق او نسبت به حقیقت است. عشق، باور و حضور تجربی، تاریخی، اجتماعی و معنوی محقق، «سنخیت» را به دنبال دارد؛ سنخیت با جمع مورد مطالعه و سنخیت با حقیقت. سنخیت با سه مقوله اصلی توضیح داده می‌شود: «هم‌هویتی و یگانگی با جامعه تحقیق»، «محرمیت و ایجاد قابلیت برای درک حقیقت» و «نقد و نفی خود و هر غیریتی که حجاب میان محقق و حقیقت می‌شود». محقق در مسیر سنخیت، رویکرد ایجابی و انتقادی را توأمان دنبال می‌کند. سنخیت روی دیگر سکه نفی‌غیریت است. نفی ادراکات و اندیشه‌های خودمحور و اغیارمحور. مفهوم اغیار و مدعیان شامل دایره وسیعی می‌شود از جمله نفس خود محقق، شیطان درون، دشمنان بیرونی دین (جبهه استکبار)، اهل دنیا (در مقابل اهل دین) و سایر مدعیان و منکران حقیقت.

سنخیت زمینه‌ساز درک عمیق پدیده اجتماعی می‌شود و محقق را به حقیقت می‌رساند و وی به تماشای حقایق و رازیابی نایل می‌شود. نتیجه تمام آنچه در الگوی روش‌شناختی تاب‌دین‌جا مطرح شد، تحقق یافتن محقق با حقیقتی است که در جستجوی آن به میدان پدیده اجتماعی دینی آمده است. شناخت حقیقت در روش‌شناسی آوینی منظومه‌ای از شناخت حضوری، شناخت عقلی و فلسفه تاریخی، شناخت نقلی و شناخت تجربی و حسی را دربرمی‌گیرد.

محقق پس از درک حقیقت به «روایت» آن می‌پردازد. «روایت حضور» محقق در میدان مطالعه و بیان آنچه «شاهد» آن بوده است. روایت، نشئت گرفته از الگویی است که صحابه اهل بیت (علیهم‌السلام)، برای بیان فراتاریخی امور از آن بهره می‌گرفتند. فراتاریخیت، مستلزم زبان فطری است که آوینی با ذکر و عبرت و البته هنر به دنبال تحقق آن است. روایت، آن‌گونه که آوینی آن را به کار می‌برد، مبتنی است بر بازسازی و بازتولید مفاهیم قرآنی، روایی، داستان خلقت، وقایع زندگی انبیاء و اهل بیت (علیهم‌السلام)؛ لذا روایت، ملائمت، هم‌دلی و هم‌زبانی با جامعه دینی را در پی دارد.

هم‌افسازگی، هم‌دل‌سازی و ایجاد حس حضور برای غائبان، هدف دیگری است که روایت در تعریف اصیل خود و در کاربست آوینی به‌دنبال آن است.



شکل (۲): الگوی روش‌شناختی مطالعات اجتماعی دین در آثار شهید آوینی در «روایت فتح» منبع: (نگارنده این تحقیق)

جمع‌بندی

مسئله اصلی این پژوهش، بازخوانی روش‌شناختی الگوهای موفق مطالعات اجتماعی دین، در مسیر دستیابی به مدل‌سازی نظری و الگوی روش‌شناختی بدیل است. این نوع پژوهش‌های درجه دوم، می‌تواند زمینه‌ساز بسط گفتمان علوم انسانی اسلامی و توسعه الگوهای جایگزین مطالعات اجتماعی دین غربی باشد. چراکه الگوهای موجود عموماً از سوگیری منفی علیه دین، ارزش‌های عرفی‌گرایانه، پیش‌فرض‌ها و پیش‌داوری‌های ناسازگار با دین، انواع تقلیل‌گرایی و تحویل‌گرایی و مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی غیردینی رنج می‌برند.

برای این هدف، مجموعه متون روایت فتح، نوشته‌های شهید آوینی در رابطه با دفاع مقدس، «روایت فتح»، به‌عنوان نمونه موفق در شناخت پدیده‌های اجتماعی دینی، مورد

مطالعه قرار گرفت. مجموعه روایت فتح شاخصه‌های متعددی دارد که می‌توان آن را به‌عنوان یک مطالعه اجتماعی دین محسوب کرد. وجه تجربی و میدانی، روش مندی، ابتناء به نظریه و مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی منسجم، سعی در شناخت و رمزگشایی و توصیف و تحلیل پدیده دفاع مقدس، حضور میدانی در بین گروه‌های اجتماعی مختلف دفاع مقدس و... با وجود این، حیثیت روش‌شناختی مطالعات آوینی در رابطه با دفاع مقدس، در لابه‌لای متون او مستتر است و وی به‌طور مستقل و صریح روش خود را بیان نکرده است.

الگوی نظری روش‌شناسی شهید آوینی حلقه وصل بنیان‌های معرفتی و ارزش‌شناختی وی با اصول و دستورالعمل‌های کاربردی در هنگام پژوهش است. این الگو که بر اساس مدل گراند تئوری یا نظریه داده‌بنیاد و تحلیل متن‌گفتارهای روایت فتح به‌دست آمده است شامل ۵ مؤلفه اصلی عشق و باور، حضور، سنخیت، حقیقت و روایت می‌باشد.

بر اساس این مدل، محوری‌ترین عنصر در امر تحقیق، «حضور» است. علم حقیقی در منظومه معرفتی شهید آوینی، علم حضوری است و محور الگوی نظری پژوهش وی را می‌توان حضور قرار داد. حضور مفهومی چندلایه است و به ابعاد اجتماعی، معنوی، معرفتی و روش‌شناختی وی اشاره دارد. حضور از منظر روش‌شناختی به‌مثابه قرار گرفتن محقق در میدان مطالعه و زیستن در فضای تحقیق در نظر گرفته می‌شود. حضور به تن و بدن محقق، زمینه‌ساز حضور اجتماعی و معنوی وی است. حضور اجتماعی به معنی نقش‌آفرینی، هم‌هویتی، هم‌فرهنگی و مشارکت در اعمال و مناسک پدیده اجتماعی دینی مورد مطالعه است. حضور معنوی، ذکر و مراقبه است که زمینه سنخیت با امر واقع و رفع حجب و نفی انانیت را ایجاد می‌کند. حضور معنوی، حضوری قلبی و توجهی درونی به واقعیت‌سازی و جاری‌ای است که در آن قرار گرفته‌ایم.

حضور تام محقق در میدان پژوهش، به‌تدریج موجب سنخیت وی با واقعیت مورد مطالعه خواهد شد. سنخیت به معنی تطابق و تشابه با واقعیت است. عالم حقیقت، عالم راز است و تا محقق از دایره اغیار خارج نشود و به دانستن اسرار محرم ننگردد، امکان رازیابی و تماشای غیبی را نخواهد داشت.

در اثر سنخیت و محرم اسرار شدن، محقق به علم‌الیقین، عین‌الیقین و حق‌الیقین،

حقیقت واقعیت مورد مطالعه را ادراک می‌نماید و به اندازه ظرفیت و استعداد خویش توجه به توجه خویش پیدا نموده و در درون خویش، واقعیت مورد مطالعه را به نحو حضوری می‌یابد و از آنچه دم زده می‌شود و به لسان اعتقادی بیان می‌گردد، در جان و باور خویش، رشحاتی را مشاهده می‌کند تا آنجا که اندک‌اندک حقیقت به نحو تام و جامع بر وی آشکار می‌گردد.

محقق که حال به دریافت حقیقت آراسته گشته، مأموریت روایت آن را دارد تا زمینه حضور، سنخیت و تحقق را برای غایبان فراهم آورد. روایت حقیقت، به مثابه نزول امر باطنی در ظرف لفظ و ظهور آن در مقام بیان است. روایت، بازنمایی حقیقت ذیل نفسانیات و تمایلات راوی یا رسانه نیست بلکه تنزل حقیقت از عالم درونی و باطنی عرشی و فوق عرشی به عالم اجتماعی و ظاهری است. چنانچه عارفی چون علامه طباطبائی، حقایق را در قالب اشعار بیان می‌کند و این اشعار تماماً بیانگر حقیقت هستند و مخاطب را با خود به همان حقیقت رهنمون می‌گردانند (طباطبائی، ۱۳۹۲).

روایت حقیقت در الگوی نظری شهید آوینی، با زبان فطرت می‌باشد و بیش از فکر و ذهن مخاطب، قلب و فطرت وی را مورد خطاب قرار می‌دهد. روایت، طریقی است برای ایجاد عشق، اشک، عبرت، ذکر و معرفت. همچنین گفته شد که ذکر نسبتی دارد با تقرب و درک حضوری حقیقت. همچنین روایت مطابق با سنت روایی شیعه، مستلزم ضبط دقیق وقایع و بیان مستند آن است، کاری که آوینی با بهره‌گیری از دوربین و ضبط صدا و تصویر انجام داد و اکنون آرشیو روایت فتح، بزرگ‌ترین منبع شناخت دفاع مقدس محسوب می‌شود.

عنصر عشق و باور، زمینه اصلی تحقق عناصر دیگر از حضور، سنخیت، حقیقت و روایت است. محقق روش‌شناسی اشراقی، پیش از ورود به قلمرو تحقیق، از جهت انگیزش و بینش، شباهتی تام به افرادی دارد که در دل پدیده‌های اجتماعی دینی سیر می‌کنند، دارد. عشق به خدا، عشق به سلوک، عشق به حقیقت و رهروان این مسیر، عشق به انبیاء و اولیاء (علیهم‌السلام) و پیروان ایشان، محقق را از هرگونه غرض مادی و دنیوی خالی می‌نماید. المحبّه نار تحرق ما سوی المحبوب.

برخلاف بسیاری از روش‌شناسی‌های موجود علوم انسانی، در روش اشراقی، دستیابی به حقیقت حاصل نمی‌شود جز اینکه محقق باور خود را بالا ببرد: باورش بشود

که می‌تواند، حضرت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)، فرمود «ما می‌توانیم»؛ در امور معنوی هم باید گفت ما می‌توانیم؛ باور به قابلیت خلیفه الهی خود؛ باور به استعداد فطرت الهی خویش؛ باور به تعلیم اسماء الهی و عهد و میثاق ازلی؛ باور به تعالیم قرآن؛ باور به حضور انبیاء و اولیاء (علیهم‌السلام)؛ باور به غیب؛ باور به حقیقتی که در بطن پدیده‌های اجتماعی دینی ساری و جاری است. محقق لاجرم باید خود را در ظرف باورهای ملکوتی و الهی بیندازد تا به تدریج این باور شدت بگیرد و اثر خود را نشان دهد. نکته دیگر اینکه معمولاً به این موارد اعتقاد وجود دارد لکن باید از مرحله اعتقاد عبور کرد و به مرحله اعتماد و باور رسید. با دو بال عشق و باور سرعت سیر محقق در دریافت حقایق بسیار زیاد خواهد شد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی شد، با محوریت مجموعه روایت فتح، الگوی نظری روش شهید آوینی در مطالعه دفاع مقدس را به مثابه الگویی روش‌شناختی برای مطالعه پدیده‌های اجتماعی دینی استخراج و استحصال نماییم. شهید آوینی با تکیه بر معارف والای شیعی، به خصوص معارف معنوی و عرفانی شیعه ظرفیت تولید روش‌شناسی را ایجاد نموده است.

الگوی نظری روش شهید آوینی را می‌توان روش «حقیقت‌گرایی اشراقی» نامید. حقیقت اشاره به واقعیت‌گرایی متعالیه و جنبه نفس‌الامری واقعیت دارد. اشراق، اشاره دارد به جنبه معرفت‌شناختی و اینکه حقیقت جز با عنایت الهی و از طریق قلب شناخته نمی‌شود. حقیقت در این عنوان، همچنین اشاره دارد به جنبه عینی و تجربی روش شهید آوینی، از این رو که گاهی بیان می‌شود «برای اینکه حقیقت جبهه‌ها را بفهمی باید به آنجا بروی و از نزدیک آن را مشاهده کنی». حقیقت یک واقعه متفاوت است از بازنمایی آن، یا تحلیل و تفلسف پیرامون آن، حقیقت یک شی از خود آن شی جدا نیست و کسی می‌تواند به حقیقت یک واقعه برسد که به نحو حضوری و عینی (با دیده قلب و وجود) به درک آن نایل شود.

هر چند شهید آوینی و کار وی در مجموعه روایت فتح دارای اختصاصاتی هست که امکان تکرار آن در جای دیگر را ندارد، با این وجود، این روش این قابلیت را دارد که

بر اساس روش‌یابی فطری و اقتضائی، متناسب با پدیده‌های اجتماعی دینی امروز، از جمله پیاده‌روی اربعین، مراسمات اعتکاف، سالگرد شهید سلیمانی، آن را با متناسب‌سازی به‌کار گرفت. طبعاً هرچه از لایه بنیادین و نظری به‌سمت لایه عملی و کاربردی روش، نزدیک می‌شویم این انعطاف‌پذیری و قابلیت انطباق با شرایط موضوع پژوهش بیشتر خواهد بود. باید توجه داشت که تغییرات و متناسب‌سازی این روش بتواند آن را تکمیل کند نه اینکه شاکله عرفانی و معنوی آن را در پیچ‌وخم‌های ظاهرگرایی و شک و دودلی از بین ببرد.

انقلاب اسلامی و تمدن نوین اسلامی که هدف و مقصد آن توحید است، به‌طور کامل محقق نمی‌شود مگر اینکه انسان مناسب آن تحقق یابد. انسان انقلاب اسلامی باید از جنس امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) و همچون شهید آوینی فرزند روح‌الله باشد. امتدادبخشی به معارف توحیدی شیعی در ابعاد مختلف تمدنی نیازمند تربیت افرادی چون شهید چمران، شهید باکری و شهید آوینی است. افرادی که در سلوک معنوی، جدی بودند و لحظه‌ای خدا را فراموش نکردند و در مسیر انسانیت حرکت نمودند. چنین افرادی هستند که می‌توانند انقلاب حضرت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) را بسط و امتداد بدهند و به تحقق تمدنی و جهانیش برسانند.

رهیافت آوینی را برپایه الگوی روش‌شناختی به‌دست آمده، می‌توان رهیافت «حقیقت‌گرایی اشراقی» نامید. در این رهیافت، تجربه و واقعیت نادیده انگاشته نمی‌شود بلکه پلی می‌شود برای شناخت حقایق، که از طریق حضور و سنخیت در محقق اشراق می‌شود و وی بدان متحقق می‌شود و از طریق بازتولید مفاهیم دینی و بیان روایی آن، زمینه‌ساز حضور، عشق و باور مخاطب را فراهم می‌کند.

پیشنهاد

روش آوینی و آنچه که حقیقت‌گرایی اشراقی نامیده شد، شباهت‌هایی ابتدایی با روش پدیدارشناسی هرمنوتیکال دارد، تا آنجا که برخی از آوینی‌پژوهان، معتقدند مبانی معرفتی آوینی، متکی به این مکتب است! بنیان‌های معرفت‌شناسانه آوینی در واقع‌گرایی اشراقی و بنیان‌های هستی‌شناسانه وی در رابطه با خدا، انسان، انسان کامل و فلسفه تاریخ با بنیان‌های معرفتی مکتب پدیدارشناسی متفاوت است و قرابت‌های موردی این دو

رویکرد نمی‌تواند به مثابه این همانی روش آوینی و روش پدیدارشناسی هرمنوتیک پندار شود؛ چنانکه میان بسیاری از روش‌های علوم اجتماعی تشابهاتی وجود دارد و در عین حال به دو مکتب متفاوت تعلق دارند. از این رو پیشنهاد می‌شود تحقیق مستقلی در رابطه با مقایسه تطبیقی این دو روش انجام گیرد.

کتابنامه

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۷). الگوی تحلیل وبر از رابطه دین و توسعه. قیاسات، (۷).
- آوینی، سیدمرتضی (۱۳۸۲). یک تجربه ماندگار؛ مجموعه مستند روایت فتح چگونه ساخته شد؟. مجله فیلم، (۱۳۲).
- آوینی، سیدمرتضی (۱۳۹۱). گنجینه آسمانی؛ گفتار متن فیلم‌های روایت فتح. تهران: واحه.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۵). دین‌پژوهی. ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بهروزی لک، غلامرضا و علی‌یاری، حسن (۱۳۹۶). کاربرد روش تحقیق نظریه داده‌بنیاد در استخراج نظریه از متون دینی. فصل‌نامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال بیست و یک، (۴).
- پارسانیا، حمید (۱۳۸۵). روش رئالیستی و حکمت صدرایی. مقدمه کتاب روش در علوم اجتماعی؛ رویکرد رئالیستی. نوشته آندرو سایر. ترجمه عماد افروغ. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- حسینی، سیدحسام‌الدین (۱۳۹۵). نقش مسجد در نظام ولایی امامت و امت؛ با تأکید بر تمرکز و عدم‌تمرکز در مدیریت فرهنگی. (کارشناسی ارشد). فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- دانایی‌فرد، حسن و امامی، سیدمجتبی (۱۳۸۶). استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد. اندیشه مدیریت، سال اول، (۲)، ۶۹-۹۷.
- دوویکتور، انیس (۱۳۹۹). روایت جنگ در دل جنگ؛ با نگاهی به مستندهای سیدمرتضی آوینی. ترجمه محمدمهدی شاکری، تهران: نشر واحه و انتشارات بنیاد

سینمایی فارابی.

ساغروانی، سیما؛ مرتضوی، سعید؛ لگزیان، محمد و رحیم‌نیا، فریبرز (۱۳۹۳). تحمیل نظریه به داده‌ها و یا ظهور نظریه از داده‌ها: نظریه‌پردازی در علوم انسانی و اجتماعی، با روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد. پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، سال چهارم، بهار و تابستان، (۱).

سایر، آندرو (۱۳۸۵). روش در علوم اجتماعی؛ رویکرد رئالیستی. ترجمه عماد افروغ. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۰). دین، جامعه و عرفی شدن: جستارهایی در جامعه‌شناسی دین. تهران: نشر مرکز.

شریفی، احمدحسین (۱۳۹۷). نشست تخصصی «بررسی کاربردی روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد در علوم انسانی اسلامی». سایت روابط عمومی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)، تاریخ بازدید ۱۴۰۱/۵/۱۵. لینک بازدید: <http://qabas.iki.ac.ir/node/5993>

طائی، محمدعلی (۱۳۹۶). واقع‌گرایی اسلامی به‌مثابه نظریه فیلم؛ مرتضی آوینی و نظریه فیلم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۲). گلشن شیدایی: کامل‌ترین مجموعه اصلاحی اشعار عارف بزرگ علامه طباطبایی. تهران: کتاب همه.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۳). تفسیر مجمع‌البیان. جلد ۱. تهران: نشر ارسباران. فصیحی، امان‌الله (۱۳۸۸). بررسی روش‌های مطالعه جامعه‌شناسانه دین. پژوهش، سال اول، (۱)، ۱۲۳-۱۴۸.

فلیک، اووه؛ کاردورف، ارنست فون و اشتاینکه، اینس (۱۳۹۷). راهنمای روش تحقیق کیفی. تهران: جامعه‌شناسان.

کافی، مجید و جمشیدیها، غلامرضا (۱۳۹۱). مدل روش شناختی نظریه‌پردازی در علوم انسانی اسلامی. روش‌شناسی علوم انسانی، (۷۲)، ۸۱-۱۱۰.

کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک وان (۱۳۷۳). روش تحقیق در علوم اجتماعی؛ نظری و عملی. تهران: فرهنگ معاصر.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی. مترجم: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

- محمدپور، احمد (۱۳۸۹). روش در روش. تهران: جامعه‌شناسان.
- محمدرضایی، محمد (۱۳۸۲). نگاهی به دین‌پژوهی. قیاسات، (۲۷)، ۳۹-۷۲.
- مددپور، محمد (۱۳۸۴). سینمای اشرافی؛ سینمای دینی و هنر اشرافی شهید آوینی با نظری به عکاسی اشرافی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی (سوره مهر وابسته به حوزه هنری).
- معززی‌نیا، حسین (۱۳۸۸). سینما و افق‌های آینده؛ جستجویی در آرا و افکار سیدمرتضی آوینی. تهران: مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی.
- مهرابی، امیرحمزه و دیگران (۱۳۹۰). معرفی روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد برای تحقیقات اسلامی. مدیریت فرهنگ سازمانی، سال نهم، (۲۳).
- وبر، ماکس (۱۳۷۱). اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری. مترجم انگلیسی، تالکوت پارسونز. مترجم فارسی، عبدالمعبود انصاری. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهی.
- یامین‌پور، وحید (۱۳۹۹). ماجرای فکر آوینی؛ گفتارهایی در شناخت مفاهیم بنیادی تفکر شهید سیدمرتضی آوینی. قم: دفتر نشر معارف.
- یورگنسن، ماریان و فلیس، لوئیز (۱۳۹۲). نظریه و روش در تحلیل گفتمان. تهران: نشر نی.
- Charmaz, C. (1990). *Discovering Chronic Illness: Using Grounded Theory. Social Science and Medicine*, (30).
- Charmaz, C. (2000). *Grounded Theory: Objectivist and Subjectivist Methods*. In N. Denzin & Y. Lincoln (Eds). *Handbook of Qualitative Research*. (2nd edition) London & Thousand Oaks: CA: Sage.
- Giddens, Anthony (1976). Introduction. in Max Weber. *The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism*: 1-12. Allen & Unwin, 1976 (1930).
- Glaser, Barney G. (1992). *Emergence vs. Forcing: Basics of Grounded Theory Analysis*. Sociology Press.
- Strauss, Anselm L. & Corbin, Juliet (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. 2nd Ed., and Sage.

